



Legal and Jurisprudential Analysis of the Legitimacy of Purpose in Private Contracts Based on Human Rights Criteria

Amin Karimpour Aliabad^{1*}, Mohammad Bagher Amerinia², Zahra Beheshti³

1. Department of Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

2. Department of Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

3. Department of Private Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 91-106

Article history:

Received: 16 Jul 2025

Edition: 6 Sep 2025

Accepted: 27 Nov 2025

Published online: 22 Des 2025

Keywords:

Contracts, Legitimacy of Purpose, Human Motives, Human Rights Criteria.

Corresponding Author:

Amin Karimpour Aliabad

Address:

Iran, Yasuj, Islamic Azad University, Yas.C., Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-1896-4292

Email:

4231891915@iau.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Legitimacy of purpose in Iranian law and Islamic jurisprudence plays a decisive role in the creation of valid or invalid contracts. The aim of this article is to analyze the legitimacy of purpose in private contracts based on the criteria of Islamic jurisprudence, legal principles, and human rights.

Materials and Methods: This study uses an analytical-descriptive method to examine the jurisprudential and legal rules related to the purpose in private contracts.

Ethical Considerations: The process of writing this article has been conducted with due regard for ethical principles in citation and reference to sources.

Findings: Any cooperation in actions that lead to corruption, violation of rights, or preparation for unlawful actions causes the contract to fall outside the scope of legitimacy. From a human rights perspective, the legitimacy of purpose is directly linked to principles of human dignity, justice, non-discrimination, and the prohibition of using individuals as mere tools.

Conclusion: The legitimacy of purpose in private contracts is essential for ensuring the health of economic and social relations. An expansive interpretation of Article 217 of the Civil Code, which declares a contract void even when the illegitimate motive is known, aligns more closely with ethical principles and human rights. This approach can help prevent the abuse of contractual freedom. Ultimately, the application of legitimate purpose in transactions, from both a jurisprudential and legal perspective, can strengthen justice, maintain public order, and enhance the integrity of economic transactions in society.

Cite this article as:

Karimpour Aliabad, A; Amerinia, M-B; Beheshti, Z. Legal and Jurisprudential Analysis of the Legitimacy of Purpose in Private Contracts Based on Human Rights Criteria. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

تحلیل فقهی - حقوقی مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی براساس معیارهای حقوق بشری

امین کریم‌پور علی‌آباد^{۱*}، محمدباقر عامری نیا^۲، زهرا بهشتی^۳

۱. گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاداسلامی، یاسوج، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاداسلامی، یاسوج، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاداسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مشروعیت جهت در حقوق ایران و فقه اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد قراردادهای معتبر و یا قراردادهای نامشروع دارد. هدف این مقاله تحلیل مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی براساس معیارهای فقهی، حقوقی و حقوق بشری است.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق، از روش تحلیلی-توصیفی برای بررسی قواعد فقهی و حقوقی مرتبط با جهت در قراردادهای خصوصی استفاده شده است.

یافته‌ها: هرگونه همکاری در رفتارهای موجد فساد، تضییع حقوق یا فراهم‌سازی مقدمات حرام، موجب خروج قرارداد از دایره مشروعیت می‌شود. از منظر حقوق بشر، مشروعیت جهت با اصول کرامت انسانی، عدالت، منع تبعیض و عدم استفاده ابزاری از انسان پیوند مستقیم دارد.

ملاحظات اخلاقی: فرایند نگارش مقاله حاضر با ملاحظه اصول اخلاقی در ارجاع‌دهی و استناد به منابع انجام شده است.

نتیجه: مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی، ضامن سلامت روابط اقتصادی و اجتماعی است. تفسیر موسع از ماده ۲۱۷ قانون مدنی مبنی بر بطلان قرارداد حتی با صرف آگاهی از انگیزه نامشروع، با اصول اخلاقی و حقوق بشری هماهنگ‌تر است و می‌تواند از سوءاستفاده از آزادی قراردادی جلوگیری کند. در نهایت، کاربست مشروعیت جهت در معاملات از نظر فقهی و حقوقی، می‌تواند به تقویت عدالت، حفظ نظم عمومی و ارتقای سلامت معاملات اقتصادی در جامعه منجر شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۱-۱۰۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

قراردادهای مشروعیت جهت، انگیزه‌های انسانی، معیارهای حقوق بشری.

نویسنده مسئول:

امین کریم‌پور علی‌آباد

آدرس پستی:

ایران، یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0002-1896-4292

پست الکترونیک:

4231891915@iau.ir

۱. مقدمه

نیست، بلکه با حوزه‌هایی چون اخلاق عمومی، اصول فقهی، امنیت اجتماعی و ارزش‌های بشری نیز پیوند خورده است. مسئله اساسی این پژوهش در اینجاست که آیا می‌توان مفهوم سنتی «جهت معامله» را در قراردادهایی که ماهیت انسانی، اجتماعی یا بشردوستانه دارند، بر اساس معیارهای حقوق بشری معاصر تفسیر و بازتعریف کرد؟ به‌ویژه آنکه حقوق بشر بر اصولی تأکید می‌کند که گاه با برداشت‌های سنتی از مشروعیت جهت تعارض پیدا می‌کند، یا دست‌کم آن را در معرض بازنگری قرار می‌دهد. به عنوان نمونه، ممکن است قراردادی از نظر سنتی صحیح تلقی شود، اما از منظر حقوق بشر مغایر با کرامت انسانی یا برخلاف عدالت اجتماعی باشد. همچنین، تفسیر مضیق از «تصریح جهت نامشروع» در ماده ۲۱۷ قانون مدنی که تنها به ذکر صریح نیت نامشروع در متن قرارداد توجه دارد، ممکن است با الزامات اخلاقی و بشری که بر «آگاهی طرفین از انگیزه نامشروع» تأکید دارد، ناسازگار جلوه کند. پژوهش حاضر بر این فرض مبتنی است که با توجه به ماهیت فراملی و اجتماعی بسیاری از قراردادهای انسانی، می‌توان مفهوم جهت را به گونه‌ای تفسیر کرد که از یک‌سو با اصول حقوق بشر همسو باشد و از سوی دیگر با مبانی فقهی و قواعد آمره حقوق داخلی نیز تعارض پیدا نکند. بررسی این فرضیه مستلزم مطالعه تطبیقی میان منابع فقهی، قواعد حقوقی و اصول حقوق بشر است و زمینه را برای ارائه چارچوبی نوین در ارزیابی مشروعیت جهت فراهم می‌کند.

مشروعیت جهت در قراردادها یکی از ارکان بنیادین نظام حقوق خصوصی است و در حقوق ایران نیز مطابق بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، جهت نامشروع از موجبات بطلان قرارداد به شمار می‌آید. با وجود این، تفسیر مفهوم «جهت» همواره محل اختلاف بوده و در دو ساحت ذهنی و عینی مورد بررسی قرار گرفته است. نوع عینی که ناظر بر «عوض معامل» یا «جهت تعهد» است، در زمره عناصر ساختاری قرارداد قرار می‌گیرد و از چارچوب این پژوهش خارج است. آنچه در این تحقیق محور بحث قرار می‌گیرد، «جهت ذهنی» یا انگیزه طرفین در انعقاد قرارداد است؛ مفهومی که از یک‌سو ریشه در روان‌شناسی حقوقی دارد و از سوی دیگر می‌تواند در تعیین صحت یا بطلان قرارداد نقش تعیین‌کننده داشته باشد. با وجود تصریح قانون‌گذار به لزوم مشروعیت جهت، چالش اصلی آن است که در بسیاری از قراردادهای امروزی، انگیزه‌ها ماهیتی فراتر از روابط مالی و سودآوری صرف پیدا کرده‌اند و گاه بر پایه اهداف انسانی، اجتماعی یا حتی بشردوستانه شکل می‌گیرند. تحول در مفهوم قرارداد، به‌ویژه در حوزه خدمات اجتماعی و فعالیت‌های بشری‌رسانه، موجب شده است که قراردادها تنها مظهر روابط خصوصی نباشند، بلکه گاه بازتابی از ملاحظات اخلاقی، اجتماعی و انسانی نیز محسوب شوند. در سوی مقابل، حقوق بشر معاصر با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، عدالت، برابری و نظم اجتماعی، معیارهای ویژه و گاه فراملی را برای سنجش مشروعیت رفتارهای انسانی قراردادهای - به وجود آورده است. از این منظر، مشروعیت جهت تنها یک موضوع حقوقی سنتی

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های مرتبط با بحث حاضر به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای بوده که در نهایت با روش استنباطی نیز تحلیل شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی یکی از بنیادی‌ترین ارکان صحت معاملات در حقوق ایران و فقه اسلامی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در مرزبندی میان قراردادهای معتبر و قراردادهای نامشروع دارد. «جهت» در معنای فقهی و حقوقی صرفاً انگیزه فردی یا نیت ذهنی طرفین معامله نیست، بلکه ماهیتی چندبعدی دارد که ابعاد اخلاقی، اجتماعی و حقوق بشری را نیز در بر می‌گیرد. مبانی فقهی همچون قاعده حرمت اعانت بر اثم، منع تعاون بر ظلم و تقدم حق الناس، نشان می‌دهد که هرگونه همکاری در رفتارهای موجد فساد، تضییع حقوق یا فراهم‌سازی مقدمات حرام، موجب خروج قرارداد از دایره مشروعیت می‌شود. در نظام حقوقی ایران نیز مواد ۲۱۷، ۲۱۸ و ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی بر محدودیت آزادی قراردادی در برابر اخلاق حسنه، نظم عمومی و حقوق افراد تأکید دارند. این قواعد در مجموع بیانگر آن‌اند که مشروعیت جهت، ضامن سلامت روابط اقتصادی و اجتماعی و ابزار اصلی پیشگیری از معاملات مبتنی بر انگیزه‌های نامشروع است. از منظر حقوق بشر نیز مشروعیت جهت با اصول کرامت انسانی، عدالت، منع تبعیض و عدم

استفاده ابزاری از انسان پیوند مستقیم دارد. هنگامی که جهت معامله به آسیب‌رسانی، استثمار یا تضییع حقوق اشخاص منتهی شود، قرارداد از منظر معیارهای جهانی نیز فاقد اعتبار است. زیرا از نظر اخلاقی، رعایت منافع عمومی، دفاع از اخلاق حسنه، تضمین احترام به قانون در قراردادها به عنوان فلسفه بطلان معامله با جهت نامشروع است (حاتمی و اسدی، ۱۳۹۲: ۶۷). مواردی که از نظر حقوق بشر، حمایت از حقوق برابر افراد و جلوگیری از رواج معاملاتی است که به هر نحوی حقوق افراد را تضییع می‌کند. تحلیل اختلاف‌نظرها درباره مفهوم «تصریح جهت نامشروع» در ماده ۲۱۷ قانون مدنی نشان می‌دهد که تفسیر موسع یعنی بطلان قرارداد حتی با صرف آگاهی از انگیزه نامشروع با اصول اخلاقی و حقوق بشری هماهنگ‌تر است و امکان سوءاستفاده از آزادی قراردادی را کاهش می‌دهد. نتیجه آنکه مشروعیت جهت در نقطه تلاقی فقه، حقوق و حقوق بشر قرار دارد و بازخوانی آن بر اساس این سه حوزه می‌تواند به تقویت عدالت، حفظ نظم عمومی و ارتقای سلامت حقوقی جامعه منجر شود.

۵. بحث

مشروعیت یا عدم مشروعیت جهت در قراردادها از منظر فقهی و حقوقی، تنها یک بحث نظری نیست، بلکه پرداختن به حرام بودن معاملاتی است که از نظر فقهی، شرایط و معیارهای لازم را از نظر انگیزه طرفین قرارداد ندارند و در نهایت منجر به ضرر به افراد جامعه و تضییع حقوق آنان و در نهایت نادیده گرفتن احکام شریعت می‌شود. همچنان که انجام معامله با جهت نامشروع، نوعی اعانه بر اثم است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۴۵). بنابراین فقه با هدف

هدفی تعبیر کرده‌اند که شخص را به انجام یک عقد یا معامله وادار می‌کند؛ به عبارت دیگر، جهت همان «سبب درونی» یا «هدف بی‌واسطه» است که اساس پیدایش اراده قراردادی را شکل می‌دهد. از این منظر، عمل حقوقی بدون جهت مانند حرکتی بی‌هدف تلقی می‌شود، زیرا ساختار قرارداد بر قصد و غایت طرفین استوار است. به همین دلیل، فقیهان و حقوق‌دانان توجه ویژه‌ای به بررسی مشروعیت یا نامشروع بودن جهت دارند؛ چراکه مشروعیت قرارداد، علاوه بر شرایط شکلی و ماهوی، متکی بر سلامت نیت و انگیزه نیز هست (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۲۶۵). به طور کلی، «جهت» در فقه و حقوق، پلی میان اراده درونی و عمل بیرونی قرارداد است و نشان می‌دهد که هر معامله، پیش از آنکه پدیده‌ای حقوقی باشد، بر پایه یک انگیزه روانی و هدف‌گذاری مشخص شکل می‌گیرد؛ امری که در تحلیل مشروعیت و اعتبار قراردادها نقش اساسی دارد.

۵-۲. مشروعیت جهت از نظر قواعد فقهی

مشروعیت جهت در نزد فقها، بر این موضوع متمرکز است که جهت نامشروع وارد قلمرو قرارداد طرفین شود. به طوری که اگر جهت نامشروع در قرارداد قید شود، یا بدون درج در عقد، طرفین بر آن تبنی کرده باشند، اکثریت فقها بر حرمت چنین عمل حقوقی باور دارند و اجماع فقها بر تحریم چنین معامله‌ای است (حسینی عاملی، ۱۴۱۸: ۶۵؛ مکی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۰۶). در این رویکرد، جهت معامله یعنی انگیزه غیر مستقیمی که شخص براساس آن ترغیب می‌شود تا نسبت به ایجاد یک قرارداد با دیگری وارد عمل شود. اما اگر جهت یاد شده به سمت نامشروع هم از حیث احکام شرعی و هم

جلوگیری از ضرر رساندن به دیگران و انجام معاملات حرام، اقدام به تعیین مصادیق معاملاتی نموده که جهت نامشروع در آنان وجود دارد. اما از نظر حقوقی نیز حفظ منافع عمومی جامعه، جلوگیری از رواج قراردادهای نادرست، ممانعت از تضییع حقوق افراد و همچنین کمک به ترویج اخلاق حسنه، بخشی از دلایل حمایت از بطلان معامله با جهت نامشروع است (طاهری، ۱۳۹۳: ۶۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۷۳). بنابراین آنچه برای بررسی جهت معامله نامشروع اهمیت دارد، آثار و پیامدهای چنین معاملاتی در زندگی اقتصادی و اجتماعی است که به دلیل طرح مسائل حقوق بشری در دنیای معاصر، نیازمند نسبت سنجی و ارتباط این مفاهیم با تحولات دنیای کنونی است. بدین ترتیب، مشروعیت جهت و نقش آن در قراردادها از منظر معیارهای حقوق بشری، نیازمند بررسی ابعاد جهت و مشروع بودن یا نبودن آن در قراردادها و تبعات هر یک از نگرش‌های یاد شده از جمله مباحثی است که در اینجا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۵-۱. جهت در لغت و اصطلاح

«جهت» در لغت به معنای «روی کردن»، «سمت و سو گرفتن» و توجه به یک موضع یا محل خاص است؛ یعنی حالتی که در آن، فرد به سوی چیزی حرکت می‌کند یا ذهن و قصد او متوجه آن موضوع می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۸۸). این واژه در زبان عربی ریشه در مفهوم جهت‌دهی و قصد دارد و از همین رو، در کاربردهای مختلف به نوعی غایت‌مندی و هدف‌گرایی دلالت می‌کند. در حوزه معاملات و قراردادها نیز این اصطلاح معنایی نزدیک به همین ریشه لغوی دارد، اما با تعریف حقوقی دقیق‌تری به کار می‌رود. حقوق‌دانان، «جهت» را به انگیزه یا

راستای اهداف عقلایی و مشروع قرار گیرد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم سبب ظلم، خسارت، تبعیض یا نقض حقوق افراد نشود. هرگاه نتیجه قرارداد در سطح فراهم کردن مقدمات به تقویت ساختارهای ظالمانه، سلب حقوق اشخاص یا آسیب‌رسانی به دیگران منجر شود، با قاعده اعانت بر اثم در تعارض قرار گرفته و مشروعیت فقهی خود را از دست می‌دهد. از این‌رو، حرمت چنین معاملاتی ناشی از آن است که مشارکت در تضییع حقوق دیگران را در پی داشته و با اصول عدالت‌محور شریعت و معیارهای ناظر بر حقوق بشر سازگاری ندارد.

پیوند «مشروعیت جهت» در قراردادها بر مبنای آموزه‌های حقوق بشر، در اندیشه فقهی بیش از هر چیز با مفهوم «حق‌الناس» ارتباط پیدا می‌کند. در این نگرش، هرگونه جهت نامشروعی که به تضییع حقوق افراد منجر شود، از سوی شارع مورد نهی قرار گرفته است؛ زیرا اصل بنیادین در حق‌الناس، حرمت وارد کردن زیان به دیگران و الزام به رعایت کرامت و حقوق ایشان است. از این منظر، نامشروع بودن جهت نه تنها به دلیل مخالفت با قوانین وضعی، بلکه به‌طور بنیادی‌تر، به دلیل نقض اصول اخلاقی و انسانی مطرح در شریعت و حقوق بشر تلقی می‌شود.

نمونه‌هایی که فقیهان درباره ماهیت نامشروع جهت و ارتباط آن با حق‌الناس مطرح کرده‌اند، شامل اقداماتی است که هدف یا نتیجه آن‌ها ایجاد ضرر برای دیگران است. برای مثال، وقف کردن اموال با انگیزه اضرار به طلبکاران، فروش دارایی‌ها با هدف معسر نشان دادن خود و فرار از پرداخت بدهی، یا تصرفات شخص بیمار در آستانه مرگ که هدف آن محروم ساختن ورثه از حقوق مسلم آنان باشد،

اصول و قواعد اخلاقی بنا شود، حرمت قرارداد امری بدیهی است.

قاعده «اعانت بر اثم و اعانه بر ظالم» یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی مؤثر در سنجش مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی است. بنابر این قاعده، هرگونه همکاری، تسهیل یا فراهم کردن مقدمات عملی که موجب گناه، ظلم یا تضییع حقوق اشخاص شود، ممنوع بوده و می‌تواند موجب حرمت یا بطلان معامله گردد. مستند اصلی این قاعده آیه «ولا تعاونو علی الائم و العدوان» (مائده، آیه ۳) است که از هر نوع یاری‌رسانی به رفتارهای مضر و تجاوزکارانه نهی می‌کند. فقها در تبیین قلمرو این قاعده مثال‌های روشنی ارائه کرده‌اند. انصاری بیان می‌کند که اگر فردی ابزار یا سلاحی در اختیار شخص ظالم قرار دهد تا او بتواند فردی بی‌گناه را مورد ضرب و جرح قرار دهد، گرچه مباشر عمل محسوب نمی‌شود، اما از جهت معاونت در تحقق ظلم، مستوجب نکوهش و مشمول عنوان اعانت بر اثم است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۸). همچنین، پیرمردیان نمونه دیگری را مطرح کرده است: اگر شخصی وسیله‌ای مانند چوب در اختیار فرد ظالم قرار دهد تا او از آن برای آزار رساندن به دیگری استفاده کند، این فعل نیز مصداق همکاری در ظلم و داخل در عنوان اعانت بر اثم خواهد بود (پیرمردیان، ۱۳۹۴: ۶۳). بنابراین وارد شدن در یک قرارداد یا معامله از نظر آگاهی داشتن نسبت به فساد در آن و عدم سازگاری با قواعد اخلاقی و شرعی، یعنی اینکه قرارداد یاد شده حرام بوده و در معنای حقوقی نیز تضییع حقوق دیگران است.

بر اساس این مبانی، روشن می‌شود که جهت در قراردادهای خصوصی تنها زمانی مشروع است که در

بشر بر اصولی چون کرامت انسان، برابری، آزادی، منع تبعیض و عدالت اجتماعی استوار است؛ بنابراین هر قراردادی که انگیزه یا هدف آن، ناقض این ارزش‌ها باشد، از دیدگاه حقوق بشر نامعتبر و فاقد مشروعیت تلقی می‌شود، حتی اگر در ظاهر با چارچوب‌های شکلی قرارداد مطابق باشد. از منظر حقوق بشر، «جهت نامشروع» تنها ناظر به اعمال مجرمانه یا خلاف نظم عمومی نیست، بلکه شامل هر انگیزه‌ای می‌شود که به استثمار انسان، نقض آزادی‌های بنیادین، تبعیض، بهره‌کشی اقتصادی، تحقیر کرامت انسانی یا تزییع حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر بیانجامد. بدین ترتیب، حقوق بشر دامنه وسیع‌تری از معیارهای ارزشی را در سنجش مشروعیت جهت ارائه می‌کند؛ به نحوی که بسیاری از قراردادهای ظاهراً قانونی نیز ممکن است از این زاویه نامشروع تلقی شوند.

در چارچوب اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قراردادها تنها زمانی معتبرند که نتیجه و جهت آنها با عدالت، انصاف، آزادی اراده واقعی، و عدم نقض حقوق بنیادین اشخاص همسو باشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۶۷). بر این اساس، قراردادهایی که بر مبنای انگیزه‌های ناعادلانه مانند سوءاستفاده از فقر، فشار اقتصادی، نابرابری قدرت یا سلطه شکل می‌گیرند، حتی اگر ظاهراً با ضوابط حقوقی داخلی مطابقت داشته باشند، می‌توانند از منظر حقوق بشر فاقد مشروعیت تلقی شوند. از سوی دیگر، حقوق بشر بر این نکته تأکید دارد که آزادی اراده در قراردادها باید «واقعی» باشد؛ یعنی در بستری شکل گیرد که فرد در معرض اجبار، تهدید، فریب، نیاز شدید اقتصادی یا نابرابری

همگی مصادیقی از «جهت نامشروع» به شمار می‌آیند. در این موارد، شارع به دلیل اهمیت حمایت از حقوق فردی و جمعی و جلوگیری از سوءاستفاده، این اعمال را ممنوع دانسته است (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۰۶؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ۱۱۹). از سوی دیگر، بخشی از مصادیق «جهت نامشروع» نه تنها با حق الناس، بلکه با حق الله و آموزه‌های اخلاقی و انسانی نیز ارتباط پیدا می‌کند و واجد ابعاد گسترده‌تری است. برای نمونه، فروش اسلحه به دشمنان اسلام صرفاً نقض یک حق شخصی نیست، بلکه تهدید امنیت عمومی و اخلال در مصالح جامعه اسلامی تلقی می‌شود. همچنین، تبانی با قضات، پرداخت رشوه یا هر اقدامی که موجب تزییع حق طرف مقابل در فرآیند دادرسی شود، علاوه بر نقض عدالت و سلب حقوق فردی، به اعتبار و سلامت نظام قضایی نیز آسیب می‌رساند. این قبیل رفتارها از آن جهت نامشروع شناخته می‌شوند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث تخریب بنیان‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی جامعه می‌گردند (نجفی، ۱۴۲۲ق، ۳۱). به این ترتیب، مفهوم مشروعیت جهت در قراردادها در فقه اسلامی، در پیوند عمیق با مبانی حقوق بشر و اصول بنیادین حمایت از کرامت انسانی تعریف می‌شود و هر عملی که نتیجه آن آسیب به دیگران یا نقض عدالت باشد، در زمره جهات نامشروع محسوب می‌گردد.

۳-۵. نسبت مشروعیت جهت در قراردادها از

منظر حقوق بشر

مشروعیت جهت در قراردادها از منظر حقوق بشر، بیش از آنکه صرفاً یک الزام حقوقی باشد، به عنوان شاخصی برای ارزیابی همسویی رفتارهای قراردادی با ارزش‌های بنیادین انسانی عمل می‌کند. حقوق

مالکیت ملک از یک طرف به طرف دیگر است. اما ر جهت ذهنی، نیت و انگیزه‌های درونی طرفین قرارداد اهمیت پیدا می‌کند. برای مثال، فردی ممکن است یک خانه را به منظور سرمایه‌گذاری خریداری کند، اما انگیزه اصلی او از انجام معامله می‌تواند حتی تحصیل آرامش یا فراهم آوردن مسکن برای خانواده باشد.

با این توضیحات، به نظر می‌رسد که وجود «جهت مشروع» در قراردادها به عنوان یکی از ارکان ضروری صحت معاملات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام حقوقی ایران، اگرچه در بسیاری از موارد نیازی به تصریح جهت در متن قرارداد وجود ندارد، در صورتی که طرفین به طور ضمنی یا صریح به «جهت» اشاره کنند، باید این انگیزه‌ها مشروع باشند. در غیر این صورت، معامله‌ای که هدف آن نامشروع باشد، باطل و فاقد اثر قانونی خواهد بود (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). برای درک بهتر این موضوع، می‌توان مثالی از حقوق ایران مطرح کرد: فرض کنید شخصی برای اجاره یک ملک به فرد دیگری اقدام می‌کند تا از آن برای تأسیس یک قمارخانه استفاده کند. در این مورد، اگر طرفین قرارداد تصریحی به هدف خود در قرارداد نداشته باشند و صرفاً توافق شفاهی یا ضمنی بر انجام معامله صورت گیرد، اصل قرارداد از حیث شکلی معتبر خواهد بود. اما اگر عرف جامعه و شواهد موجود بر اساس شرایط و رفتار طرفین نشان دهند که هدف معامله، تأسیس قمارخانه بوده است، این قرارداد به دلیل جهت نامشروع باطل تلقی خواهد شد، حتی اگر طرفین در ابتدا از بیان این نیت خود خودداری کرده باشند.

ساختاری نباشد. بنابراین، اگر جهت قرارداد معطوف به بهره‌گیری از چنین وضعیت‌هایی باشد، قرارداد فاقد مشروعیت اخلاقی و انسانی است. با این حال شناسایی مصادیق و نسبت سنجی مشروعیت جهت و آموزه‌های حقوق بشر نقش مهمی در ارائه تفسیری همسو با قواعد حقوق بشر دارد که بدان پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. جهت در قراردادها و معاملات از منظر اخلاق عمومی

مفهوم «جهت» در قراردادها و معاملات، به انگیزه و نیت اصلی طرفین از انجام یک عمل حقوقی اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، جهت، همان داعیه‌ای است که موجب رضایت یک طرف به انجام معامله می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۰: ۳۸). در حقوق مدنی ایران، این مفهوم در ماده ۲۱۷ قانون مدنی به طور واضح مورد اشاره قرار گرفته است. طبق این ماده: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الا معامله باطل است.» این قاعده تأکید دارد که اگرچه در اصل بیان علت و انگیزه یک قرارداد ضروری نیست، در صورتی که طرفین به طور صریح یا ضمنی به جهت قرارداد اشاره کنند، آن جهت باید مشروع و قانونی باشد تا قرارداد از نظر حقوقی معتبر باقی بماند.

اگر بخواهیم این موضوع را بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، می‌توانیم به دو نوع اصلی جهت در معاملات اشاره کنیم: جهت عینی و جهت ذهنی. در جهت عینی، انگیزه یا هدف از انجام قرارداد، به طور روشن در قالب کالای مبادله‌شده یا نتیجه نهایی معامله تعریف می‌شود. به عنوان مثال، در قرارداد خرید و فروش یک ملک، هدف عینی، انتقال

از جمله مشروعیت جهت را به همراه خود داشته باشند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۶۷). از منظر حقوق بشری، این مشروعیت به معنای احترام به ملاحظات اخلاقی، حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان و همچنین ترویج رویکردهای سالم در ایجاد قراردادهای خصوصی افراد در جامعه اسلامی است.

با عنایت به موارد یاد شده، همان طور که در دنیای معاصر با گسترش مفاهیم جدید حقوق بشر و تأثیر آن‌ها بر تنظیم قراردادها، اهمیت «جهت» در قراردادها به‌ویژه در زمینه‌هایی که با حقوق انسانی، حقوق اجتماعی و حقوق اقتصادی مردم ارتباط دارند، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به عنوان مثال، در قراردادهای بین‌المللی و فراملی، توجه به اصول حقوق بشر می‌تواند موجب تغییر در جهت‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی طرفین قرارداد شود و در عین حال به حفظ حقوق و کرامت انسانی کمک کند. به همین دلیل، باید توجه داشت که علاوه بر مشروعیت جهت از دیدگاه حقوق داخلی، تأثیرات آن بر قوانین بین‌المللی و نهادهای جهانی مانند سازمان ملل نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۳-۳. ملاحظات اخلاقی و مشروعیت جهت قرارداد

صراحت به جهت نامشروع در معامله یا قرارداد از سوی طرفین قرارداد، شناسه مهمی برای حرام بودن معامله است. بدین معنا در صورتی که جهت نامشروع در معامله مطرح گردد، خواه به صورت شرط باشد یا اینکه خارج از قرارداد به آن تصریح شود، و قرارداد نیز بر مبنای آن شکل بگیرد، معامله حرام و باطل است (انصاری، ۱۴۱۵: ۹۸). اما در

این موضوع در حقوق معاصر و در نظام‌های حقوقی دیگر نیز به نوعی قابل مشاهده است. در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، اصل «مشروعیت جهت» به‌عنوان یکی از مبانی مشروعیت قراردادها شناخته می‌شود. این امر به معنای آن است که قراردادهایی که با انگیزه‌های خلاف قانون یا اخلاق عمومی بسته می‌شوند، از دیدگاه حقوقی فاقد اعتبار و اثر خواهند بود. در واقع، پروژه‌های تجاری یا قراردادهایی که در راستای ارتکاب جرایم یا نقض حقوق عمومی شکل می‌گیرند، نه تنها از نظر حقوقی غیرمعتبر هستند، بلکه ممکن است به موجب قوانین کیفری نیز مورد پیگرد قرار گیرند.

۵-۳-۲. عدم مشروعیت جهت و نسبت آن با حقوق اجتماعی - اقتصادی

حسب رویکرد قانون مدنی، عدم مشروعیت اگر در معامله تصریح گردد، باعث بطلان معامله است. به این دلیل که جهت، انگیزه شخصی از انعقاد قرارداد است، هر شخصی از معامله‌ای که انجام می‌دهد، انگیزه خاصی دارد. علت تعهد به عنوان شرط صحت معامله، در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، در زمره شرایط اساسی صحت معاملات ذکر نشده است، دلیل تعهد در قراردادهای مشابه، یکسان و نوعی تلقی می‌شود، اما در ماده ۲۱۷ از قانون مدنی، اگر جهت معامله تصریح شود، باید مشروع باشد و در غیر این صورت معامله باطل است (صفایی، ۱۳۹۲: ۶۲). اسناد تجاری، معاملات و قراردادهای نیز محصول اراده و انگیزه شخصی افراد است، صدور، ظهورنویسی، ضمانت و قبولی، تابع اختیار افراد و با قصد و نیت آنان انجام می‌گیرد. بنابراین اعمال حقوقی یاد شده که محصول توافق اراده‌ها است، دارای شرایط خاص خود هستند و نیاز است تا شرایط عمومی قراردادها

دارند. بر پایه‌ی اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، رعایت اخلاق، عدالت، و نظم اجتماعی از ارکان حفظ کرامت انسانی و تضمین برابری افراد در برابر قانون است. در این راستا، قانون مدنی ایران با تأکید بر مشروعیت جهت معاملات، در واقع از ارزش‌های بنیادین حقوق بشر همچون عدالت، انصاف، و احترام به حیثیت انسانی پاسداری می‌کند. به بیان دیگر، هنگامی که قانون از «اخلاق حسنه» و «نظم عمومی» سخن می‌گوید، در حقیقت از همان اصولی دفاع می‌کند که در حقوق بشر نیز به عنوان معیارهای اساسی زیست اجتماعی عادلانه شناخته می‌شوند؛ یعنی جامعه‌ای که در آن هیچ‌کس حق ندارد با توسل به قرارداد یا توافقی، ارزش‌های انسانی، عدالت اجتماعی یا مصالح عمومی را نادیده بگیرد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که در بررسی صحت و اعتبار قراردادهای، تأکید بر «جهت مشروع» تنها یک الزام حقوقی نیست، بلکه یک اصل اخلاقی و اجتماعی است که پایه‌گذار بسیاری از تصمیمات قضائی و اجرائی در خصوص معاملات و قراردادهای است. اصول اخلاقی و اجتماعی اشاره به اخلاق حسنه در روابط اجتماعی دارد که در نگرش فقهی و حقوقی به معنای منش و کردار محسنین و پرهیزگاران جامعه است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۸۷). بنابراین منظور از نامشروع در جهت نامشروع چیزی است که مخالف قواعد آمره باشد؛ خواه اینکه قواعد یاد شده بر قوانین موضوعه مبتنی باشد یا فقه اسلامی و یا اخلاق حسنه که همگی با نظم عمومی در ارتباط باشند. بدین ترتیب اگر جهت معامله برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد و از منظر

صورتیکه جهت نامشروع در قرارداد ذکر نشود، اما یک طرف معامله از نیت نامشروع طرف دیگر آگاه باشد و توافقی میان آنان وجود نداشته باشد، حرمت معامله مورد اختلاف فقها است. اما عمده فقها بر این باور هستند که صرف علم به قصد نامشروع طرف معامله، بدون اینکه باعث ارتکاب فعل حرام شود، اعانت بر گناه محسوب نمی‌شود و باعث حرمت معامله نخواهد بود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷۱). بر اساس ماده ۹۷۵ قانون مدنی، هرگونه جهت و هدفی که با اصول اخلاق حسنه و نظم عمومی در تعارض باشد، از نظر قانون فاقد اعتبار است و در زمره‌ی جهات نامشروع قرار می‌گیرد. در واقع، قانون‌گذار با استناد به این ماده تلاش کرده است تا مرز روشنی میان آزادی اراده‌ی اشخاص در انجام معاملات و رعایت اصول بنیادین جامعه ترسیم نماید (شهیدی، ۱۳۸۸: ۴۹). از جمله اصول مهم در این زمینه، ملاحظات اخلاقی از جمله عدم تضییع حق دیگران و ضرر نرسانیدن به دیگران است که مبحث مهمی در فقه اسلامی است. از سوی دیگر، ماده ۲۱۷ قانون مدنی نیز تأکید می‌کند که جهت مشروع در معامله، جهتی است که با قانون، اخلاق حسنه و نظم عمومی ناسازگار نباشد. بنابراین، اگر هدف یا انگیزه‌ی طرفین معامله برخلاف این سه رکن باشد، قرارداد فاقد اعتبار بوده و از نظر حقوقی باطل محسوب می‌شود (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۶). بنابراین معیار همسویی با اخلاق جمعی نقش مهمی در قراردادهای خصوصی افراد دارد که خود بخشی از فرایند حقوق بشر از منظر حمایت از قانون بر عهده دارد.

این اصول نه تنها در نظام حقوقی داخلی، بلکه در چارچوب مفاهیم حقوق بشر نیز جایگاهی ویژه

قواعد مذهبی نیز مخالف نظم عمومی تلقی گردد، در زمره جهت نامشروع خواهد بود و هرچند که نص قانونی خاصی در این باره وجود نداشته باشد (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵). بنابراین، بازنگری در جهت‌های موجود در قراردادها و پیوند آن‌ها با معیارهای حقوق بشری و اجتماعی می‌تواند به اصلاح و تقویت سیستم‌های حقوقی و اقتصادی جهانی کمک کند.

۵-۳-۴. مشروعیت جهت در قوانین داخلی و نظم عمومی

نظم عمومی یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های نظام‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی است؛ زیرا اشاره به وضعیتی دارد که در آن، چارچوب‌های اساسی زندگی جمعی و ملاحظات اجتماعی، اخلاقی و حقوقی رعایت می‌شود. بر همین اساس، هرگونه تخلف از قواعد آمره و اصول بنیادین حقوقی، می‌تواند نقض نظم عمومی تلقی شود (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۵۶). هرچند تعیین حدود و مصادیق نظم عمومی در هر جامعه ممکن است تحت تأثیر اصول اخلاقی، مذهبی و فرهنگی متفاوت باشد، اما در نهایت کارکرد اصلی نظم عمومی، حفظ انسجام اجتماعی و جلوگیری از اختلال در نظام سیاسی، اقتصادی و حتی نظام خانواده است. به همین دلیل، عدول از معیارهای بنیادینی که نظم عمومی را شکل می‌دهند، می‌تواند ساختارهایی را که ضامن حسن جریان امور اداری، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی است، تضعیف یا نابود کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۳۴). از منظر ارتباط نظم عمومی با مشروعیت جهت در قراردادها نیز می‌توان به نصوص روشن قانونی استناد کرد. قانونگذار ایران، با اذعان بر نسبی بودن مفهوم نظم عمومی، در ماده ۹۷۵

قانون مدنی تصریح کرده است: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار نمودن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا بگذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد». این ماده نشان می‌دهد که حتی آزادی اراده طرفین قرارداد نیز در برابر نظم عمومی محدود می‌شود و قراردادها باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که حقوق عمومی و مصالح اجتماعی در آن رعایت شود، به‌گونه‌ای که مانع بروز هرج و مرج و اختلال در زندگی فردی و اجتماعی گردد.

در همین راستا، برخی از فقهای معاصر نیز اهمیت نظم عمومی را در سطحی بالاتر از مصالح فردی دانسته و تصریح کرده‌اند که در صورت تعارض میان رعایت نظام زندگی مردم و منافع شخصی، باید از اختلال نظام، نابسامانی و هرج و مرج جلوگیری شود (مشکینی و حمیدی جلفایی، ۱۳۸۹: ۸۷). این رویکرد نشان‌دهنده تقارن دیدگاه‌های حقوقی و فقهی در توجه به نقش نظم عمومی به‌عنوان اساس سلامت اجتماعی است. از منظر قوانین موجود، مقررات مرتبط با مشروعیت جهت در قراردادها در نظام حقوقی ایران متنوع‌اند و هرچند برخی از این قواعد ریشه در فقه اسلامی دارند و برخی دیگر مبتنی بر تحلیل‌های مدرن حقوقی هستند، اما همگی در یک اصل مشترک‌اند: جلوگیری از آسیب به نظم جامعه و پیشگیری از اختلال در زندگی افراد. نمونه‌هایی از این مقررات عبارت‌اند از:

ماده ۲۱۷ قانون مدنی: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد والا معامله باطل است.» این ماده

دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.» این ماده نه تنها بر عدم نفوذ چنین قراردادهایی تأکید می‌کند، بلکه به صراحت اثر قضایی آنها را نیز نفی می‌کند. به این ترتیب، در مجموع می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران با بهره‌گیری از مبانی فقهی و اصول حقوق مدنی، مفهوم نظم عمومی را در جایگاهی بنیادین قرار داده و مشروعیت جهت معاملات را از مهم‌ترین ابزارهای حفظ این نظم دانسته است. قراردادهای هرچند بر پایه آزادی اراده شکل می‌گیرند، اما این آزادی در برابر مصالح عمومی، اخلاق اجتماعی و موازین شرعی محدود شده است تا از بروز آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی جلوگیری شود.

۵-۳-۵. تفسیر موسع از نصوص قانونی در راستای حقوق بشر

از منظر بررسی نصوص قانونی در قوانین داخلی باید گفت که اختلاف نظر اصلی در تفسیر ماده ۲۱۷ قانون مدنی به واژه «تصریح» بازمی‌گردد؛ واژه‌ای که حدود و آثار آن بر مشروعیت جهت معامله، موجب شکل‌گیری دو رویکرد مهم در میان حقوقدانان شده است. گروهی از حقوقدانان با پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، طرفدار تفسیر مضیق هستند و معتقدند تصریح زمانی محقق می‌شود که جهت نامشروع به صورت آشکار و وارد در قلمرو قرارداد شود. بر اساس این دیدگاه، اگرچه یکی از طرفین از انگیزه نامشروع طرف دیگر آگاهی داشته باشد، اما این انگیزه وارد چارچوب توافق نشده باشد، قرارداد همچنان صحیح تلقی می‌شود و لطمه‌ای به اعتبار آن وارد نمی‌کند. در نگاه این گروه، قلمرو اراده طرفین محدود به همان چیزی است که در توافق آن را بیان کرده و پذیرفته‌اند.

بر اهمیت مشروعیت هدف معامله تأکید دارد و بیان می‌کند که اراده طرفین نمی‌تواند به سمت مقاصدی برود که بر خلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد.

ماده ۲۱۸ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴) «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به‌طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است.» این ماده به‌طور مشخص با معاملات صوری مقابله کرده و هدف آن جلوگیری از سوءاستفاده از قراردادهای برای ایجاد اغتشاش در روابط مالی و تضییع حقوق اشخاص است؛ امری که مستقیماً با نظم عمومی ارتباط دارد.

ماده ۹۷۵ قانون مدنی نیز بر این موضوع توجه نشان داده که این ماده علاوه بر حوزه قراردادهای داخلی، ناظر به عدم امکان اجرای قوانین خارجی یا قراردادهایی است که با اخلاق حسنه یا نظم عمومی در تعارض اند و بدین ترتیب مرزهای نظم عمومی را در حوزه حقوق بین‌المللی خصوصی نیز مشخص می‌سازد. بنابراین دلیل اصلی بطلان معامله نامشروع، حفظ منافع جامعه، احترام به حاکمیت قانون در قراردادهای و همچنین جلوگیری از منکرات و اخلاقی نمودن اعمال حقوقی است (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). موارد یاد شده همگی در راستای حقوق افراد جامعه دنبال می‌شود که نشانگر انسانی و اخلاقی بودن بطلان معامله با جهت نامشروع است. از این جهت پیوند اصول و معیارهای اخلاقی و حقوق بشری با نگرش حقوق‌مداران از فقه، عامل مهمی برای بطلان معامله با جهت نامشروع تلقی می‌شود.

ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی: «عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در

در مقابل، غیر مشهور فقهای امامیه و جمعی از حقوقدانان معاصر دامنه این مفهوم را گسترده‌تر دانسته و بر این باورند که آگاهی طرف معامله از نیت نامشروع طرف دیگر بدون ذکر آن در متن قرارداد برای بطلان عقد کفایت می‌کند. این تحلیل با اصول حقوق بشر، نظم عمومی حقوقی و اقتصادی، و فلسفه حمایت از مصالح اجتماعی سازگارتر است؛ زیرا اجازه نمی‌دهد که قرارداد به ابزاری برای تحقق اهداف نامشروع مانند فساد، تبانی، فرار از دین یا دور زدن قوانین آمره تبدیل شود. این رویکرد همچنین مانع از وضع احکام نادرست یا انعقاد توافق‌هایی می‌شود که جهت آنها با انگیزه‌های خلاف اخلاق اجتماعی یا مقررات عمومی همراه است (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). بنابراین می‌توان گفت دیدگاه جدیدتر و گسترده‌تر با قواعد عمومی قراردادهای و مصالح اجتماعی هماهنگ‌تر است. زیرا نامشروع بودن جهت معامله، حتی اگر به تصریح در قرارداد نیامده باشد، هنگامی که مبنای واقعی توافق طرفین باشد، ماهیت خصوصی قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را وارد قلمرو عمومی می‌کند. در چنین شرایطی، بطلان معامله وسیله‌ای برای حفظ نظم عمومی، سلامت روابط اقتصادی و جلوگیری از گسترش فساد در معاملات است. این تحلیل با مقاصد شریعت نیز همسو است؛ زیرا شریعت همواره بر پیشگیری از ایجاد زمینه فساد و جلوگیری از تحقق اعمال نامشروع تأکید کرده و هرگونه یاری رساندن به امر حرام را ممنوع دانسته است.

از همین منظر، برخی حقوقدانان معتقدند که هنگامی که طرف معامله به انگیزه نامشروع طرف دیگر علم دارد، نباید اقدام به انعقاد قرارداد کند؛

زیرا مشارکت در چنین توافقی نوعی همکاری در امر نامشروع محسوب می‌شود (صفایی، ۱۳۹۲: ۹۷). به همین جهت، مشروعیت جهت معامله تنها به این معنا نیست که قانون، انجام آن را منع نکرده باشد، بلکه باید منطبق با آیین شرع، نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز باشد (عبده بروجردی، ۱۳۲۹ق: ۱۴۱). منظور از قانون در این زمینه صرفاً مقررات مدون نیست، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و شرعی است که بنیان نظم عمومی را تشکیل می‌دهد. با توجه به اصل ۴ قانون اساسی نیز روشن است که موازین شرعی باید بخشی از ارزیابی مشروعیت جهت قرار گیرند. به علاوه اینکه در منابع فقهی نیز جهت نامشروع به امری اطلاق می‌شود که موجب تحقق حرام یا ایجاد مقدمات آن شود (نجفی، ۱۴۱۷: ۵۸). این تعریف، پیوند میان اخلاق و شرع را به روشنی نشان می‌دهد؛ زیرا هر دو بر پیشگیری از ضرر، زیان و فساد تأکید دارند. هر عملی که موجب آسیب به دیگران شود یا برخلاف اخلاق حسنه و ارزش‌های مورد قبول جامعه باشد، نامشروع تلقی می‌شود و معامله‌ای که بر چنین جهتی استوار باشد از نظر شرعی و حقوقی فاقد اعتبار خواهد بود. در نتیجه، بطلان چنین معاملاتی نه تنها یک حکم حقوقی، بلکه ابزاری برای پاسداری از مصالح اجتماعی، جلوگیری از زیان به آحاد مردم و تقویت سلامت اقتصادی است.

۶. نتیجه

بررسی مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی براساس معیارهای فقهی، حقوقی و حقوق بشری نشان می‌دهد که «جهت» در هر معامله صرفاً یک انگیزه شخصی و ذهنی نیست، بلکه ماهیتی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی دارد که می‌تواند

دیگران استفاده کند. بنابراین، هنگامی که جهت معامله به نقض این اصول منجر شود، قرارداد نه تنها در چارچوب حقوق داخلی، بلکه در سطح معیارهای جهانی نیز فاقد اعتبار و ارزش شناخته می‌شود. این همسویی میان قواعد فقهی، حقوق داخلی و حقوق بشر نشان می‌دهد که اندیشه اسلامی و نظام حقوقی ایران، برخلاف تصور برخی تحلیل‌ها، در مبانی خود نسبت به کرامت انسانی و محرومیت‌زدایی حساس بوده و از قراردادهایی که به هر شکلی موجب بروز آسیب به اشخاص یا جامعه شوند، پشتیبانی نمی‌کند.

بررسی تفسیری ماده ۲۱۷ قانون مدنی و اختلافات موجود میان حقوقدانان درباره مفهوم «تصریح» نیز نشان داد که تفسیر موسع، یعنی بطلان قرارداد حتی در صورت آگاهی از جهت نامشروع بدون درج در متن قرارداد، با اصول اخلاقی، عدالت اجتماعی و منطق حقوق بشر سازگارتر است. این تفسیر از بروز فساد، تبانی و سوءاستفاده از آزادی قراردادی جلوگیری کرده و ماهیت قرارداد را از حریم خصوصی طرفین فراتر برده و آن را در چارچوب مصالح اجتماعی و حقوق عمومی قرار می‌دهد. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که مشروعیت جهت در قراردادهای خصوصی، مفهومی است که ریشه در دین، قانون و حقوق بشر دارد و در تمامی این حوزه‌ها دارای کارکردی مشترک است: حفاظت از جامعه، حمایت از حقوق افراد، جلوگیری از بروز فساد و پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و انسانی. بنابراین، بازنگری در انگیزه‌ها و جهات معاملات، و تطبیق آنها با معیارهای فقهی، قانونی و اصول جهانی حقوق بشر، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سلامت حقوقی و اقتصادی جامعه ایفا کند. این

سرنوشت یک قرارداد را از حیث صحت یا بطلان تعیین کند. در فقه اسلامی، مشروعیت جهت بر مبنای اصولی همچون قاعده اعانت بر اثم، حرمت تعاون بر ظلم، و رعایت حق‌الناس تعریف می‌شود. به همین دلیل، هرگونه همکاری مستقیم یا غیرمستقیم در رفتارهای موجد ظلم، تضییع حقوق اشخاص یا فراهم کردن مقدمات حرام، موجب حرمت معامله و خروج آن از دایره مشروعیت می‌گردد. فقه اسلامی با ارائه مصادیق متعدد، به روشنی نشان داده است که جهت نامشروع می‌تواند نه تنها ماهیت یک قرارداد را بی‌اعتبار کند، بلکه آن را در قلمرو رفتارهای آسیب‌زا نسبت به جامعه و کرامت انسانی قرار دهد. در حوزه حقوق داخلی نیز مجموعه‌ای از مواد قانونی، از جمله مواد ۲۱۷، ۲۱۸، ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی، به شکل صریح یا ضمنی بر ضرورت مشروعیت جهت در قراردادها تأکید دارند. این مواد بر این اصل استوارند که آزادی قراردادها مطلق نیست و هنگامی که انگیزه یا نتیجه یک قرارداد با اخلاق حسنه، نظم عمومی، یا حقوق افراد تعارض پیدا کند، قرارداد فاقد اثر خواهد بود. قانون‌گذار با ایجاد این محدودیت‌ها تلاش کرده است از ورود انگیزه‌های نامشروع در معاملات جلوگیری کند و قراردادها را در هماهنگی با اصول اخلاقی، عدالت اجتماعی و سلامت روابط اقتصادی قرار دهد.

از منظر حقوق بشر نیز مشروعیت جهت در قراردادها ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌هایی همانند کرامت انسانی، عدالت، انصاف، و منع تبعیض دارد. حقوق بشر بر این اساس بنا شده است که هیچ فردی حق ندارد از قرارداد یا توافق به عنوان ابزاری برای ایجاد آسیب، ضرر، استثمار یا تضییع حقوق

پیوند میان فقه، حقوق و اخلاق انسانی نشان می‌دهد که مشروعیت جهت نه صرفاً یک قاعده حقوقی، بلکه یک اصل بنیادین برای تضمین عدالت، نظم عمومی و کرامت انسان در عرصه قراردادهای خصوصی است.

۷. سهم نویسندگان

نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده که در نهایت توسط نویسنده مسئول اصلاح نهایی آن صورت گرفته است.

۸. تضاد منافع

بنابر اظهارات نویسندگان، در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- ابن‌فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- احمدی، سیدناصر، دنکوب، ابوالفضل، غلامعلی‌زاده، محمد (۱۳۹۸)، تأثیر جهت نامشروع در اسناد تجاری در حقوق موضوعه ایران، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۷۶-۸۶۶.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، المکاسب المحرمه، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر کنگره.
- پیرمردیان، محمدرضا (۱۳۹۴)، حرمت اعانه بر اثم و اعانه به ظالم در رسانه‌های خبری و مطبوعات از دیدگاه فقه اسلامی و با تأکید بر اندیشه فقهی امام خمینی (ره)، فصلنامه سپهر سیاست، سال دوم، شماره پنجم.
- حاتمی، علی‌اصغر، اسدی، زهرا (۱۳۹۲)، مشروعیت جهت در ایقاعات، فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره دوم، ۶۱-۷۲.
- حسینی عاملی، محمد جواد (۱۴۱۸)، مفتاح الکرامه، بیروت؛ انتشارات دارالتراث.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۸۸)، مقدمه بر علم حقوق، تهران: نشر خرسندی.
- سلطانی، محمد (۱۳۹۰)، حقوق بانکی، تهران: نشر میزان.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن‌علی (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: انتشارات کتابفروشی داوری.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۸)، حقوق مدنی؛ (تشکیل قراردادها و تعهدات)، تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۴)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبده بروجردی، محمد (۱۳۲۹ق)، حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی علمی.
- قبولی درافشان، سید محمدهادی، فخلعی، محمدتقی، حائری، محمدحسن (۱۳۹۵)، ضمانت اجرای قرارداد با جهت نامشروع در حمایت از نظم عمومی سنتی و اقتصادی، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره دهم، صص ۱-۲۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، اعمال حقوقی قرارداد، ایقاع، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مشکینی، علی، احمدی جلفایی، حمید (۱۳۸۹)، مصطلحات الفقه، قم: نشر دارالحدیث.
- مکی عاملی، محمدبن جمال الدین (۱۳۸۷)، اللمعه الدمشقیه، نجف؛ انتشارات جامعه النجف الدینی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقیه، تهران: نشر الهادی.
- نجفی، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق)، انوارالفقاهه، نجف، انتشارات کاشف-الغطاء.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۷ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، محمدبن احمد (۱۴۲۲ق)، مشارق الاحکام، تهران: کنگره نراقیین ملامهدی و ملا احمد.
- واحدی، قدرت‌الله (۱۳۸۹)، مقدمه علم حقوق، تهران: نشر میزان.